



١٣١٤٤



پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش نهج البلاغه

عنوان پایان نامه
مرگ‌اندیشی و تأثیر آن بر تربیت انسان
از دیدگاه نهج البلاغه

دانشجو

زهرا سادات موسوی

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر شادی نفیسی

استاد مشاور

جناب آقای مصطفی دلشاد تهرانی

ماه و سال دفاع

خرداد ۱۳۸۷

۱۳۱۲۴۸

۱۳۸۸/۱۱/۱۵

دفتر اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

دانشکده علوم حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش نهج البلاغه

عنوان پایان نامه

مرگ اندیشی و تأثیر آن بر تربیت انسان

از دیدگاه نهج البلاغه

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر شادی نفیسی

استاد مشاور

جناب آقای مصطفی دلشاد تهرانی

دانشجو

زهرا سادات موسوی

ماه و سال دفاع

خرداد ۱۳۸۷

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است

باسمہ تعالیٰ

پایان نامہ خانم زہراسادات موسوی دانشجوی دورہ کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث

گرایش نهج البلاغه تحت عنوان مرگ اندیشی و تأثیر آن بر تربیت انسان از دیدگاه

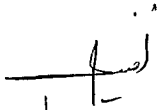
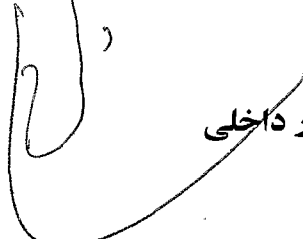

نهج البلاغه تهیه و در جلسه دفاعیہ تاریخ ۸۷/۳/۱ با درجہ عالی (۱۸-۲۰) O

بسیار خوب (۱۶-۱۸) ✓ خوب (۱۴-۱۶) O ضعیف (۱۲-۱۴) O

غیر قابل قبول (زیر ۱۲) O به تأیید هیأت داوران رسید.

دانشکده علوم حدیث

هیأت داوران:

سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبہ علمی	امضا
استاد راهنما	خانم دکتر شادی نفیسی	استادیار	
استاد مشاور	آقای مصطفی دلشاد تهرانی	استادیار داخلی	
استاد داور	حجت الاسلام دکتر محمدعلی مهدوی راد	دانشیار داخلی	

تقدیم به تراب گامهای ابوتراب

همو که عدالت در محراب عبودیت او به خون نشست
اویی که سزاست آفرینشش یگانه بهانه باشد برای حمد آفریدگار؛
که «خجسته باد نام خداوند، نیکوترین آفریدگاران
که تو را آفرید.

از تو در شگفت هم نمی توان بود
که دیدن بزرگی ات را، چشم کوچک من بسنده نیست؛
مور، چه می داند که بر دیواره اهرام می گذرد
یا بر خستی خام.

تو آن بلندترین هرمی که فرعون تخیل می تواند ساخت
و من، آن کوچکترین مور، که بلندای تو را در چشم نمی تواند داشت.»

ستایش خدای ستودنی را که مهرش از دایره درک انسان فزون است و قهرش از گردونه گیتی برون؛
صلاة و ثنا پیام‌آور رحمت حق را و سلام و درود سلاله طاهرش را که یگانه آموزگاران بشریت‌اند؛
و به حکم نغز فرموده «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بایسته است از:

استاد عزیزم سرکار خانم نفیسی که رهنمودهای مادرانه‌اش تجلی استاد بودنش را دوچندان می‌نمود،
و از استاد بزرگوارم جناب آقای دلشاد تهرانی که بی هیچ گزافه‌ای بیش از هر چیز بر تارک قلبم نقش معلم اخلاق
بودنش حک گردیده است،

با زبانی الکن و فهمی کوتاه از مقامی که خداوندم برایشان در نظر گرفته است، سپاس گویم.
و از خانواده‌ام،

که تکیه‌گاه بودنشان لطف و مرحمتی است الهی و بلکه صرف بودنشان موهبتی است خداوندی؛ و در همین جا از
خداوند آمرزنده مهربان درخواست می‌کنم که ثوابی از این ناچیز را به عنوان هدیه‌ای به روح پدرم بپذیرد و او را در
بی‌کرانه مهر خویش جای دهد.

و در ختام بر خود لازم می‌دانم که از یاران عزیز و صدیقم و دوستان حبیب و شفیقم زهرا زارعی و زینب حائری که
هیچ‌گاه حق دوستی‌شان را ادا نکرده‌ام، تشکر و سپاس‌گویی کنم.

چکیده

اغلب قریب به اتفاق اقوام مختلف در تمام ادوار تاریخ و بلکه ماقبل آن، به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند و پدیده مرگ را پل ارتباط و وسیله انتقال به حیات ابدی می دانستند. آنها به جاودانگی روح معتقد بودند و انسان را موجودی فانی تلقی نمی کردند.

ادیان توحیدی به ویژه اسلام مرگ را نوعی دگرگونی و تکامل زندگی انسانی دانسته اند و بر توجه و اهتمام انسانها بدان توصیه و تأکید بسیار کرده اند. از نظر قرآن مرگ، مکمل حیات انسانی است و یک برهه مشترک زمانی در زندگی همه موجودات است که هر وجودی باید آن را تجربه کند. قرآن مرگ اندیشی و تفکر در حیات پس از مرگ را زمینه ای جهت درک عظمت و قدرت خداوندی و زمینه ساز سعادت جاوید می داند.

مرگ اندیشی علاوه بر اینکه به عنوان یکی از روشهای تربیتی - خودسازی در اخلاق و عرفان مطرح است، پیامدهایی روانی نیز برای فرد به ارمغان می آورد؛ به عقیده روان شناسان باورهای دینی و همچنین اندیشه درباره مرگ و اعتقاد به زندگی پس از مرگ فرد را در رویارویی با استرسهای زندگی و اضطرابهای موجود در آن مقاوم می سازد و بحرانهای زندگی را برای او تعدیل می کند.

مرگ در نهج البلاغه گاهی با بیان ویژگیهایش چون ملاقات گری پرشتاب، پایان فرصتها، بازگشت به سوی خدا و تجربه یک سفر معرفی شده، گاه با واقعیت وجودی اش به عنوان پایان زندگی دنیوی، یکی از مخلوقات الهی و بخشی از هستی، حقیقتی گریزناپذیر در زندگی و از نشانه های قدرت خداوندی از آن یاد شده و در پاره ای موارد از طریق وصف دنیای اموات و نیز وصف حالت احتضار به تصویر کشیده شده است. گاه نیز از جهت کارکردهایش از قبیل بهترین ناصح مشفق و نیز در هم شکننده آرزوها و رؤیاهای انسان تعریف شده است.

ضرورت و جایگاه مرگ اندیشی به عنوان مصداقی بارز از عاقبت اندیشی و دوران دیشی از نگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با کنکاش و دقت در پیامدهای آن قابل بررسی است.

پیامدهای معرفتی - نگرشی و اخلاقی - رفتاری مرگ اندیشی در چهار حوزه ارتباطی قابل تأمل است: ارتباط با خویشتن، ارتباط با مردم، ارتباط با عالم هستی و ارتباط با خداوند. مرگ اندیشی در حوزه ارتباط با خویشتن پیامدهای معرفتی ای چون حاضر دیدن مرگ در زندگی، هوشیاری و رهایی از دام غفلت، انگیزش و نشاط بیشتر برای حیات، یافتن معیاری در انتخاب اهم و مهم های زندگی، واقع بینی و سلامت از خیالهای واهی

و آرزوهای بیمارگونه، اعتماد به نفس و سلامت نفس از روان‌پریشی، جهت‌دار شدن شادبها و اندوهها، احساس مفید بودن در زندگی، احساس رضایت از زندگی به ویژه به گاه مرگ را به دنبال دارد. و همچنین در این حوزه به پیامدهای رفتاری‌ای چون رام کردن نفس، حیات قلب، رهیدن از پلیدیهای اخلاقی چون تکبر و بخل، شجاعت و سلامت نفس از ترس، استقبال از مرگ و شهادت‌طلبی، زهدورزی، اعتدال در لذایذ، قدر لحظه‌ها را بهتر دریافتن، برنامه‌ریزی بهتر برای زندگی، پویایی و تلاش، وظیفه‌شناسی، پیشتازی و سرعت عمل در انجام نیکوییها، تربیت خویش و سیر به سوی کمال مطلق، تلاش در جهت بهتر شدن و بهتر زیستن، رفع اضطرابها و استرسهای روحی، تحمل بهتر و راحت‌تر مشکلات زندگی، آرامش و آسودگی دل، و کاهش اندوهها و افسردگیها می‌انجامد.

تحت تأثیر انسانها و زرق و برق ظاهری‌شان قرار نگرفتن پیامد معرفتی - نگرشی مرگ‌اندیشی در ارتباط با مردم است و بازتابهای رفتاری در این حوزه عبارتند از: مهرورزی با انسانها، صلۀ رحم و ایجاد رابطۀ اجتماعی درست با مردم، و نیز پرهیز از شرکت در رقابتهایشان برای به دست آوردن دنیا و در نتیجه کاهش جدالها و کینه‌توزیها.

مرگ‌اندیشی در حیطة ارتباط با عالم هستی به اثرات معرفتی‌ای چون شناخت بهتر ماهیت دنیا و دنیاپرستان، پذیرش قوانین مربوط به دنیا، تصویر صحیح از مرگ و اثرات رفتاری‌ای از قبیل دل‌ن بستن به چیزهای گذرا و فانی، سرگرم نشدن به بازیهای دنیا و نیز استفاده صحیح و رضایت‌بخش از امکانات دنیا و بهره‌برداری از آنها در راستای منفعت و مصلحت خویش منجر می‌شود.

مرگ‌اندیشی در ارتباط با خداوند نیز پیامدهای معرفتی‌ای مانند توجه به مبدأ هستی و حیات، احساس رحمت الهی و ایجاد ارتباطی رحیمانه با خداوند، امید و اطمینان به آنچه نزد خداوند است، و پیامدهای رفتاری‌ای همچون سپاس، توبه و نیز تقوای الهی را فراهم می‌آورد.

اضطراب مرگ نیز در اغلب موارد به دلیل فقدان بینش صحیح نسبت به مرگ و پس از مرگ، احساس گناه، آرزوهای دراز، دلبستگی به دنیا و تعلقات آن و نیز احساس مسؤولیت نسبت به بازماندگان رخ می‌دهد.

در مقابل افرادی که از مرگ هراسان و در نتیجه گریزانند، برخی بدان مشتاقند. زیرا آن را راه رسیدن به لقای الهی و رضوان او می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: مرگ، مرگ‌اندیشی، معاد، تربیت، نهج‌البلاغه

فهرست مطالب

دبیاچه

۱

فصل اول: مفاهیم

۷

۷

۱-۱- مفهوم ذکر

۸

۱-۲- مفهوم مرگ

۱۰

اکسیر حیات بخش مرگ

۱۴

۱-۳- مرگ اندیشی

۱۶

۱-۴- هدف از مرگ اندیشی

۲۰

فصل دوم: مرگ و مرگ اندیشی

۲۱

۱-۲- مرگ در فرهنگهای مختلف

۲۱

۱-۱-۲- مرگ در اقوام کهن

۲۲

۱-۲-۲- مرگ در عصر حجر

۲۲

۱-۲-۳- مرگ در فرهنگ سرخپوستان امریکا

۲۳

۱-۲-۴- مرگ در اقوام افریقایی

۲۴

۱-۲-۵- مرگ در میان بومیان استرالیایی

۲۵

۱-۲-۶- مرگ در مکتب فیثاغورس

۲۵

۱-۲-۷- مرگ در یونان باستان

۲۶

پرستش نیاکان، نماد اعتقاد به جاودانگی روح پس از مرگ

۲۷

۱-۲-۸- مرگ در آیینهای شرقی

۲۷

هند و چین باستان

۲۷

مرگ در آیین بودا

۲۷

جایگاه مرگ اندیشی در آرای بودا

۳۱

مرگ در اندیشه بوداییان تبت

۳۲	مرگ در آیین هندو
۳۴	مرگ در آیین ودایی
۳۴	مرگ در فرهنگ چین باستان
۳۴	مرگ در آیین ذن
۳۵	مرگ‌اندیشی یکی از اصول تربیتی جنگجویان چینی
۳۷	۹-۱-۲- مرگ در ادیان آسمانی
۳۸	جایگاه مرگ و مرگ‌اندیشی از نگاه دانتِه
۳۹	مرگ در فرقه پیوریتن
۴۰	مرگ در ادیان ابراهیمی
۴۰	۱۰-۱-۲- مرگ در فرهنگهای امروز بشر
۴۱	گریز از مرگ در غرب
۴۲	مرگ و خداگرایان طبیعی
۴۲	مرگ در تفکر رمانتیسیم
۴۲	مرگ در چرخه پیشرفت علم تجربی
۴۳	عصر اتم و دگرگونی دیدگاهها به مرگ
۴۶	۲-۲- مرگ از روزنه نگاه فلاسفه
۵۵	۳-۲- مرگ‌اندیشی از منظر عرفان و اخلاق
۵۵	۱-۳-۲- جایگاه مرگ‌اندیشی در نگاه عرفان
۵۶	۲-۳-۲- روشهای مرگ‌اندیشی در آرای عارفان
۵۹	۳-۳-۲- مرگ‌اندیشی در سیره تربیتی علما
۶۳	۴-۳-۲- کارکردها و پیامدهای مرگ‌اندیشی از منظر عرفان
۷۲	۴-۲- مرگ از روزنه نگاه روان‌شناسی
۷۲	۱-۴-۲- مفهوم و تصویرگری مرگ
۷۴	۲-۴-۲- مواجهه با مرگ

- ۷۶ ۲-۴-۳- پیامدها و کارکردهای مرگ‌اندیشی از منظر روان‌شناسی
- ۸۷ ۲-۵-۰- مرگ‌اندیشی از نگاه قرآن
- ۸۷ ۲-۵-۱- مفهوم مرگ
- ۸۸ مرگ از نشانه‌های قدرت خداوند
- ۹۰ مرگ، حقیقتی اجتناب‌ناپذیر
- ۹۱ مرگ، بازپس‌گیری امانت الهی
- ۹۳ مرگ، دیدار معبود و بازگشت به سوی خاستگاه حقیقی
- ۹۵ مرگ، مرحله‌ای از بیداری و معرفت
- ۹۶ مرگ، بخشی از حیات انسان
- ۹۷ مرگ، انقطاع از دنیا
- ۹۸ مرگ، انتقال به عالمی دیگر
- ۹۸ شواهد انتقال بودن مرگ به حیاتی دیگر
- ۱۰۰ مرگ يك برههٔ مشترک زمانی در زندگی همهٔ موجودات
- ۱۰۰ مرگ، گذرگه عالم برزخ (این حد فاصل میان دو برهه از حیات انسان)
- ۱۰۲ مرگ هلاکت و نابودی نیست
- ۱۰۳ مرگ، مرتبه‌ای از وجود
- ۱۰۴ مرگ، امری وجودی
- ۱۰۶ مرگ، پایان فرصت عمل
- ۱۰۷ مرگ، برادر خواب
- ۱۱۰ ۲-۵-۲- ضرورت وجود مرگ
- ۱۱۲ ۲-۵-۳- مرگ‌اندیشی در آموزه‌های وحی؛ ضرورت و کارکردها
- ۱۲۴ ۲-۵-۳- اضطراب مرگ در بیان قرآن

۱۳۱ فصل سوم: سیمای مرگ و مرگ‌اندیشی در بیان امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)

- ۱۳۱ مرگ، حقیقتی در هزارتوی ابهام
- ۱۳۳ ۱-۳- بخش اول: مفهوم مرگ در نهج البلاغه
- ۱۳۳ ۱-۱-۳- تعریف مرگ به واقعیت آن:
- ۱۳۳ مرگ پایان زندگی یا بخشی از زندگی
- ۱۳۶ مرگ، حقیقتی گریزناپذیر در زندگی
- ۱۴۲ مرگ یکی از مخلوقات الهی و بخشی از هستی
- ۱۴۵ مرگ از نشانه‌های قدرت خداوندی
- ۱۴۶ ۲-۱-۳- تعریف مرگ به ویژگیهای آن:
- ۱۴۶ مرگ، ملاقات‌گری پرشتاب
- ۱۴۶ مرگ، حرکت بی‌صدای انسان به سوی پایان فرصتها
- ۱۴۸ مرگ، بازگشت به سوی خدا
- ۱۵۰ مرگ، تجربه‌ی یک سفر برای همه
- ۱۵۱ ۳-۱-۳- تعریف مرگ با رویکرد به لحظات پایان و پس از آن:
- ۱۵۱ تصویرگری مرگ از طریق وصف دنیای اموات
- ۱۵۴ وصف حالت احتضار
- ۱۵۷ ۴-۱-۳- تعریف مرگ به کارکرد آن:
- ۱۵۷ مرگ، بهترین ناصح مشفق
- ۱۵۹ مرگ، در هم شکننده‌ی آرزوها و رؤیاهای انسان
- ۱۶۰ ۲-۳- بخش دوم: جایگاه و اهمیت مرگ‌اندیشی از نگاه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)
- ۱۷۲ ۳-۳- بخش سوم: پیامدهای مرگ‌اندیشی در نهج البلاغه
- ۱۷۲ ۱-۳-۳- پیامدهای مرگ‌اندیشی در ارتباط با خویشتن
- ۱۷۲ ۱-۱-۳-۳- در حیطه‌ی نگرش و بینش
- ۱۷۲ خودشناسی
- ۱۷۳ اشتیاق به مرگ

- ۱۷۴ حاضر دیدن مرگ در زندگی
- ۱۷۶ آمادگی هر لحظه برای مرگ
- ۱۷۸ انگیزش اهتمام انسان به زندگی پس از مرگ
- ۱۷۹ بیداری و هوشیاری و رهایی از دام غفلت
- ۱۸۴ فریفته نشدن به امتیازات خود مثل نیرومندی و توانمندی
- ۱۸۴ عبرت گرفتن و پندپذیری از سرنوشت کسانی که مرگ را دور می‌شمردند
- ۱۸۶ یافتن معیاری در انتخاب اهم و مهم کارها در زندگی و اولویت‌بندی صحیح‌تر در امور زندگی
- ۱۸۹ اشتیاق و تلاش برای کسب هر آنچه سودمند و ماناست و ترک تلاشهای بیهوده
- ۱۹۰ کاهش ناراحتیها و اندوهها و افسردگیها و جهت‌دار شدن شادیها و اندوهها
- ۱۹۲ احساس پربار بودن و مفید بودن در زندگی (عدم خسران عمل)
- ۱۹۳ احساس رضایت از زندگی و عدم ندامت به ویژه به گاه مرگ
- ۱۹۵ رهایی از خیال‌بافی و آرزوهای موهوم
- ۱۹۷ واقع‌بینی و سلامت از خیالهای واهی و آرزوهای بیمارگونه
- ۱۹۸ اعتماد به نفس و سلامت نفس از روان‌پریشی
- ۲۰۰ **۳-۱-۲- در حیطه اخلاق و رفتار**
- ۲۰۰ **تعالی ارزشها و هنجارهای اخلاقی:**
- ۲۰۱ زهد
- ۲۰۳ رهیدن از پلیدیهای اخلاقی (تکبر)
- ۲۰۳ رهیدن از پلیدیهای اخلاقی (بخل)
- ۲۰۴ حیات قلب
- ۲۰۶ مرگ‌اندیشی بهترین وسیله برای رام کردن نفس و از بین رفتن فرمانفرمایی و نخوت آن
- ۲۰۷ مهار نفس در راستای طاعت خداوند و بازداشتن از نافرمانی او
- ۲۰۸ قناعت
- ۲۰۹ **ایجاد تحرک در زندگی:**

- ۲۰۹ ایجاد انگیزه بیشتر برای حیات
- ۲۱۰ پویایی و تلاش و پشتکار
- ۲۱۴ برنامه‌ریزی بهتر برای زندگی و استفاده از همه فرصتها
- ۲۱۸ تربیت خویش و سیر به سوی کمال مطلق
- ۲۱۹ **نکته‌سنجی در اعمال:**
- ۲۱۹ وظیفه‌شناسی و انجام آنها
- ۲۱۹ پیشتازی و شتاب در انجام هر آنچه فطرت و عقل و دین نیک می‌داند
- ۲۲۰ دقت در حلال و حرام الهی
- ۲۲۱ دقت و اعتدال در لذایذ
- ۲۲۳ **سلامت روانی:**
- ۲۲۵ شجاعت و سلامت نفس از ترس
- ۲۲۷ شهامت و استقبال از مرگ و شهادت‌طلبی
- ۲۲۸ تحمل بهتر و راحت‌تر مشکلات زندگی
- ۲۳۰ آرامش و آسودگی دل (احساس رهایی و راحتی)
- ۲۳۱ تقویت دیده عبرت‌بین
- ۲۳۲ تمرین و پرورش نفس جهت عاقبت‌اندیشی و دوراندیشی
- ۲۳۳ **۳-۳-۲- مرگ‌اندیشی در ارتباط با مردم**
- ۲۳۳ **۳-۳-۲-۱- در حیطة نگرش و بینش**
- ۲۳۳ تحت تأثیر انسانها و زرق و برق ظاهری‌شان قرار نگرفتن
- ۲۳۳ **۳-۳-۲-۲- در حیطة اخلاق و رفتار**
- ۲۳۳ مهرورزی و برقراری ارتباط درست و انسانی و شفیقانه با انسانها
- ۲۳۵ صلۀ رحم و احسان و ایجاد رابطه اجتماعی درست با مردم
- پرهیز از شرکت در رقابتهایشان برای به دست آوردن دنیا و کاهش دشمنیها و جدالها

و کینه‌توزیها

۲۳۶	۳-۳-۳- مرگ‌اندیشی در ارتباط با طبیعت و عالم هستی
۲۳۷	۳-۳-۳-۱- در حیطة نگرش و بینش
۲۳۷	شناخت بهتر ماهیت دنیا و اسیر فریبهای واهی آن نشدن
۲۴۲	شناخت بهتر دنیا و دنیاپرستان
۲۴۴	پذیرش قوانین مربوط به دنیا
۲۴۶	تصویر صحیح از مرگ و بینش صحیح نسبت بدان
۲۴۹	۳-۳-۲- در حیطة اخلاق و رفتار
۲۴۹	رهایی از اسارت دنیا و دل نبستن به چیزهای گذرا و فانی
۲۵۰	سرگرم نشدن به بازیهای دنیا
	استفاده صحیح و رضایت‌بخش از امکانات دنیا و بهره‌برداری از آنها در راستای منفعت و مصلحت
۲۵۱	خویش
۲۵۲	۳-۳-۴- مرگ‌اندیشی در ارتباط با خداوند
۲۵۲	۳-۳-۴-۱- در حیطة نگرش و بینش
۲۵۲	توجه به مبدأ هستی و حیات
۲۵۳	احساس رحمت الهی و ایجاد ارتباطی رضایت‌بخش با خداوند
۲۵۵	امید و اطمینان به خدا و آنچه نزد اوست
۲۵۵	۳-۳-۴-۲- در حیطة اخلاق و رفتار
۲۵۵	سپاس الهی
۲۵۶	توبه
۲۵۸	تقوای الهی
۲۶۲	فصل چهارم: اضطراب مرگ
۲۶۵	۴-۱- عوامل اضطراب مرگ
۲۶۵	۴-۱-۱- فقدان بینش صحیح نسبت به مرگ و پس از آن

۲۷۱	۴-۱-۲- دل‌بستگی به دنیا و تعلقات آن
۲۷۷	۴-۱-۳- آرزوهای دراز
۲۷۹	۴-۱-۴- احساس مسؤولیت نسبت به بازماندگان
۲۸۰	۴-۱-۵- احساس گناه و عملکرد نادرست
۲۸۳	۴-۱-۶- کاستی ایمان
۲۸۴	۴-۱-۷- ترس از لحظه احتضار و سكرات مرگ
۲۸۸	۴-۲- اشتیاق
۲۹۱	خاتمه: نتایج و پیشنهادات
۲۹۲	نتیجه
۲۹۸	پیشنهادات
۳۰۰	فهرست منابع و مأخذ
۳۰۹	صفحه عنوان عربی
۳۱۰	چکیده عربی
	چکیده انگلیسی
	صفحه عنوان انگلیسی

دیباچه

به هواداری او ذره‌صفت رقص کنان
تا لب چشمه خورشید درخشان بروم

حیات آدمی از برهه‌های گونه‌گون شکل یافته است و در این میان مرگ هنگامه‌ای است بس رازآلود، شگرف و پرابهام؛ هنگامه‌ای که ادراک بشری در گستره معادلات ژرفش وا می‌ماند و هنگامه‌ای که به سبب ناشناخته بودنش گاه به سان برهه‌ای هولناک و پرهراس جلوه می‌کند.

این بیم دهشتناک گاه انسانها را چنان در برمی‌گیرد که با نوشیدن جرعه‌های سراب انکار از اندیشیدن بدان می‌گریزند و یادش را در گور فراموشی دفن می‌کنند؛ غافل آنکه مرگ حقیقتی است انکار ناپذیر که آمدنش را هیچ تردیدی به تأخیر نخواهد انداخت.

در مقابل، در فرهنگ تابناک شیعه انسان همواره به تفکر پیرامون مرگ فراخوانده شده‌اند و از فراموشی‌اش نهی؛ چه آنکه در این نظام فکری اندیشه‌ورزی پیرامون مسأله مرگ ثمرات بسیار در زندگی او به بار خواهد آورد.

فراوانی توصیه به یادکرد مرگ و اهتمام به زندگی پس از آن و همچنین تنظیم برنامه‌ریزی زندگی در راستای سعادت زندگی ابدی در تقلین، خود، نشان از اهمیت و جایگاه این آموزه اخلاقی - تربیتی در حیات انسان دارد. به طوری که اندیشه پویای آن می‌تواند تمام حیات و سرنوشت انسان را تحت الشعاع قرار دهد؛ اندیشه‌ای که بیم و آمیدی انگیزه‌بخش نسبت به حیات جاوید پس از مرگ در انسان می‌افروزد.

از آنجا که یکایک آموزه‌های فرهنگ بی‌بدیل شیعه بر اساس زوایای پیدا و پنهان وجود انسان تبیین شده است، تنها نوشیدن جرعه‌ای از ساغر علم معصوم و نوشیدن لحظه‌ای از فرموده‌های نغز آنان در انسان این ایمان را محکم می‌دارد که درمان دردها و پاسخ تردیدهایش در دل آنها غنوده است.

از این رو این قلم در پی آن است تا زانوی ادب در برابر کرسی درس امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) بر زمین سایه و با کنکاش در عبارات نغز نهج‌البلاغه، این گنجینه گرانقدر کلمات حضرت (علیه‌السلام) و با نیم‌نگاهی به دیگر سخنان حضرت در دیگر منابع و نیز روایات دیگر معصومین (علیهم‌السلام)، این دوازده تابشگر نور از یک حقیقت ناب، این پدیده رازآلود و این شاهکار نظام آفرینش و همچنین پیامدهای آن در زندگی تربیتی انسان را بررسی نماید و در برابر دیدگان محققان قرار دهد. امید که روزنه‌ای به سوی روشنای اندیشه امیرمؤمنان بگشاید.

سوالات و فرضیات تحقیق

مرگ حقیقت و واقعیتی است که بیش از هر حقیقت دیگر هر لحظه شاهد آنیم. انسانها هر روز به شکلی با این حقیقت ملاقات می‌کنند. گاه حادثه‌ای بهانه‌ی این دیدار می‌شود و بسا که این دیدار بی‌هیچ بهانه‌ای صورت می‌گیرد. هر روز پرونده‌ای از این مرحله از حیاتش در هم پیچیده می‌شود و مهر انتقال می‌خورد؛ انتقال به سرایی که عمر کرده را بازخوانی می‌کند و لحظه‌لحظه‌اش را توضیح می‌خواهد؛ و ما از این سیر، تنها رفتن او را که مرگش می‌نامیم، می‌بینیم.

در این رساله که تحقیقی کاربردی درباره‌ی مرگ و مرگاندیشی است، به بررسی دامنه‌ای چند از پیامدهای مرگاندیشی بر حیات تربیتی انسان بسنده شده است.

آنچه در ابتدای امر لازم به نظر می‌رسد ترسیم سیمایی نسبی از مرگ و مرگاندیشی به ویژه مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه است که در فصل نخست و ابتدای فصل سوم بدان پرداخته شده است.

مفهوم مرگ از جمله مفاهیمی است که در ظاهر بسیار روشن و شناخته‌شده به نظر می‌آید، اما در عین حال اگر بخواهیم تعریفی از آن ارائه دهیم، می‌بینیم که نمی‌توان از ماهیت آن به طور دقیق سخن گفت و از اسرار آن پرده برداشت. گویی این واژه بسیار روشن و ملموس که هر روز شاهد آنیم در هاله‌ای از ابهام و در کلاف سؤالهای در هم پیچیده قرار گرفته است. امام خود نیز در مواردی به ناشناخته بودن ماهیت پدیده‌ی مرگ اشاره فرموده است. با این وجود در سخنان آن حضرت، از منظرهای گونه‌گون توضیحاتی درباره‌ی مرگ بیان شده است. ولی آنچه در این میان حائز اهمیت است اینکه مرگ بخشی از حیات انسان و نه پایان زندگی اوست که فرد باید برای رویارویی با این بخش مهم از حیات خویش خود را آماده سازد.

در ادامه به منظور درک بهتر پیامدها و بازتابهای یادکرد مرگ در زندگی انسانی و همچنین یافتن انگیزه‌های مستحکمتر برای گام نهادن در این راستا می‌بایست جایگاه و اهمیت مرگاندیشی در نگاه امیرمؤمنان (علیه‌السلام) برایمان روشن تر گردد. بخشی از فصل سوم برای تبیین این مطلب گرد آمده است.

با نگاهی به آموزه‌ها و رهنمودهای برگزیدگان مکتب وحی می‌بینیم که از جمله روشهای تربیتی که بسیار مورد تأکید واقع شده، یادکرد مرگ است که دارویی مؤثر در ریشه‌کن کردن دوستی دنیا به عنوان بزرگترین مانع تربیتی و در پی آن زدودن ردایل اخلاقی و همچنین محرکی بسیار قوی در برانگیختن آدمی برای استفاده از

فرصتهای این جهانی برای حیات اخروی است.^۱ در حقیقت یاد مرگ از جمله روشهای همه‌شمول و بنیادینی است که در هیچ‌یک از این مراحل تربیت، انسان از آن بی‌نیاز نیست و در تمامی این مسیر کارایی دارد؛ هم موانع تربیتی او را از بین می‌برد که زدودن دنیاپرستی از دل انسان مهمترین آن است و هم به عنوان محرکی در جهت مصلحت‌جویی و مصلحت‌گزینی انسان عمل می‌کند.

در میان آموزه‌ها و باورهای دینی بی‌تردید یادکرد مرگ از زمره مواردی است که مستقیماً زندگی انسان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بازتابهای این باور به حدی پرگستره است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و یا کم‌رنگ تلقی کرد. از این رو مهمترین فصل این رساله به بررسی این آثار و بازتابها در زندگی انسان و نقش آنها در تربیت او از دیدگاه مولای مؤمنان علی (علیه‌السلام) اختصاص یافته است.

این بازتابها و پیامدها در چهار حوزه ارتباطی (ارتباط با خویش، ارتباط با عالم و طبیعت، ارتباط با انسانها، و ارتباط با خداوند) و در هر یک از این حوزه‌ها در دو حیطه نگرشی و رفتاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برخی از پیامدهای مرگ‌اندیشی در ارتباط انسان با خویش عبارتند از: خودشناسی، اشتیاق به مرگ، آمادگی هر لحظه برای مرگ، یافتن معیاری در انتخاب اهم و مهم کارها در زندگی، جهت‌دار شدن شادیها و اندوهها، احساس پربار بودن و مفید بودن در زندگی، احساس رضایت از زندگی، رهایی از خیال‌بافی و آرزوهای موهوم، اعتماد به نفس و سلامت نفس از روان‌پریشی، حیات قلب، رهیدن از پلیدیهای اخلاقی، قناعت، مهار نفس، پویایی و ایجاد انگیزه بیشتر برای حیات، وظیفه‌شناسی، دقت و اعتدال در لذایذ، شهادت‌طلبی، شجاعت و ...

از پیامدهای مرگ‌اندیشی در ارتباط انسان با عالم طبیعت می‌توان به این موارد اشاره کرد: شناخت بهتر دنیا و دنیاپرستان، پذیرش قوانین مربوط به دنیا، تصویر صحیح از مرگ، دل‌ن بستن به چیزهای گذرا و فانی، استفاده صحیح و رضایت‌بخش از امکانات دنیا و ...

پاره‌ای از پیامدهای مرگ‌اندیشی در ارتباط انسان با دیگر انسانها از این قرار است: تحت تأثیر انسانها و زرق و برق ظاهری‌شان قرار نگرفتن، مهرورزی، صلۀ رحم، پرهیز از شرکت در رقابتهایشان برای به دست آوردن دنیا. و بالاخره از پیامدهای مرگ‌اندیشی در ارتباط انسان با آفریدگار پرورنده‌اش می‌توان موهبتیهایی چون توجه به مبدأ هستی، احساس رحمت الهی، امید، سپاس الهی، توبه و تقوای الهی را بر شمرد.

۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، چاپ پنجم، ویرایش دوم، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷.